فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره هفدهم، زمستان ۱۳۹۵- صفحات ۳۲-۷

ارزیابی اهداف و عملکرد بانکداری اسلامی در ایران و سایر کشورهای اسلامی

یوسف محمدزاده[۱]
هادی قهرمانی[۲]
محمدعلی قدسی ماب[۳]

تاریخ دریافت:۱۳۹۴/۹/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۸

چکیده

سیستم پولی و بانکی در اقتصاد هر جامعه‌ای مانند رگ‌های بدن، نقش حیاتی در جریان درست و مورد نیاز پول در اقتصاد دارد. از این‌رو در علم اقتصاد و هم‌چنین در دین اسلام توجه ویژه به این بخش شده است. اهداف سیستم پولی و بانکی اسلام را می‌توان در متون اصلی و چارچوب مدیریت اجتماعی این دین جستجو کرد. در این مقاله ابتدا، اهداف مهم بانکداری اسلامی از متون موثق دینی و هم‌چنین نتایج پژوهش‌های پیشین استخراج گردیده‌است. در مرحله بعدی شاخص‌های قابل اندازه‌گیری که در سطح بین‌المللی منتشر می‌شود، برای این اهداف معرفی شده است. بعد از مشخص شدن شاخص‌های بانکداری اسلامی، به بررسی وضعیت آن‌ها در ایران پرداخت شده و هم‌چنین با سایر کشورهای اسلامی منتخب مقایسه شده است. این بررسی نشان می‌دهد که متأسفانه کشورهای اسلامی با اهداف مطرح شده در سیستم پولی جامعه اسلامی (مانند سهولت دسترسی به وام، دسترسی به خدمات مالی، نرخ بهره بانکی و غیره) فاصله زیادی دارند و حتی وضعیت به مراتب بدتری نسبت به کشورهای غیراسلامی دارند. متاسفانه بر پایه شاخص‌های بررسی شده، کشور ایران در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی وضعیت بدتری دارد و این نیازمند بررسی و علت‌یابی دقیق موضوع است که در پایان به واکاوی دلایل اصلی ضعف در این شاخص‌ها پرداخته شده است. وجود رانت‌ها و فساد، تورم، ضعف بخش مولد اقتصاد و عدم شفافیت در اقتصاد از جمله این دلایل است.

کلمات کلیدی: شاخص‌های بانکداری اسلامی، اهداف بانکداری اسلامی، سیستم بانکی
طبقه‌بندی JEL: G21 ، G28، P34

۱- استادیار گروه اقتصاد دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول) Yo.mohammadzadeh@urmia.ac.ir
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران Ghahramani.ha@ut.ac.ir
۳- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی M.a.ghodsimab@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

مقدمه

سیستم مالی یکی از مهم‌ترین اجزای هر اقتصاد به حساب می‌آید. این سیستم شامل شبکه‌ای از بازارهای مالی، مؤسسه‌ها، شرکت‌های تجاری، خانوارها و دولت است که در آن سیستم مشارکت داشته و عملیات بازار مالی را تنظیم می‌کنند. مؤسسه‌های مالی و پولی به عنوان واسطه‌گران این چرخه به آحاد مردم و شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و غیردولتی خدمات ارائه می‌دهند (سعیدی، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

امروزه نظام بانکی نقش مهمی در اقتصاد ایفا می‌نماید، بانک‌ها و موسسات مالی از یک‌سو سرمایه‌های ریز و درشت اشخاص، خانوارها و موسسات را گردآوری و از سوی دیگر آن‌ها را در اختیار فعالان اقتصادی قرار داده و زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی کشور فراهم می‌نمایند. در واقع بانک‌ها؛ موسسات خدماتی هستند که ضمن گردآوری سپرده‌ها یا تجهیز منابع از طریق اشخاص(حقیقی و حقوقی)، نسبت به اعطای تسهیلات یا تخصیص منابع در بخش‌های مختلف اقتصادی (بازرگانی، تولیدی و خدماتی)، با رعایت سیاست‌های پولی و اعتباری اقدام نموده و علاوه بر آن موجبات تسهیل در دریافت‌ها و پرداخت‌ها و سایر خدماتی که در چارچوب اساسنامه و قوانین و مقررات ناظر به خود بر عهده دارند، فراهم می‌سازند (صمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱).

با گسترش نظام سرمایه‌داری به ویژه صنعت بانکداری به کشورهای اسلامی، دولت‌مردان، بازرگانان، صنعت‌گران و صاحبان بانک‌ها با مشکل ممنوعیت ربا مواجه و برای حل آن دست به دامان عالمین دین شدند. این‌جا بود که اندیشه‌وران به دو گروه تقسیم شدند: گروهی با پذیرش نظام سرمایه‌داری و بانکداری ربوی درصدد ارائه تفسیر جدید از ربا برآمدند تا با معاملات بانکی سازگار باشد و گروه دوم ضمن پذیرش اصل پدیده بانک، درصدد برآمدند معاملات بانک را بر اساس آموزه‌های اسلام طراحی کنند که بانکداری بدون ربا نتیجه این تلاش‌ها بود (موسویان، ۱۳۸۵: ۷۲).

نظام بانکداری اسلامی به طور کلی شبیه بانکداری ربوی است اما بهره در آن جایی ندارد و برپایه معامله‌های واقعی میان گیرندگان تسهیلات و سپرده‌گذاران استوار است و سود بانک بر اساس مقررات و اصول اسلامی به عنوان حق الوکاله است. بانک‌های اسلامی به علت پرهیز از نوع فعالیت‌های بانکی در دریافت بهره از وام‌ها یا پرداخت بهره به سپرده‌ها، از دیگر بانک‌ها متمایز هستند (موسویان و ورمزیاری، ۱۳۹۱: ۳۰). بانک‌های اسلامی نیز مانند دیگر واسطه‌های مالی با تخصیص پس‌اندازهای سرمایه‌گذاران و ارائه خدمات مالی به گیرندگان تسهیلات به کسب سود می‌پردازند و به جای دریافت نرخ ثابت از وام گیرندگان، به تناسب قراردادهای واقعی در سود و زیان معامله‌های تجاری با سرمایه‌گذاران شریک می‌شوند و سهم سودشان را با سرمایه‌گذارانی که در بانک سپرده‌گذاری کرده‌اند، تقسیم می‌کنند. با این وصف نرخ بازدهی که از پیش محاسبه می‌شود،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

متغیر بوده و به تمام مجموعه معامله‌های تجاری بستگی دارد و با نرخ ثابت از پیش تعیین شده‌ای مانند بهره ارتباطی ندارد (موسویان و ورمزیاری، ۱۳۹۱: ۳۱).

تاریخ بانکداری بدون ربا را می‌توان به دوره‌های متفاوتی تقسیم کرد: دوره اول مربوط به زمانی است که نظام بانکداری بدون ربا فقط به صورت یک ایده، مورد توجه و مطالعه قرار گرفت. در این دوره آثاری از انور اقبال القریشی (۱۹۴۶)، نعیم صدیقی (۱۹۴۸) و محمد احمد (۱۹۵۲) ارائه شد و به دنبال آن مودودی (۱۹۶۱) و آثار محمد حمیدالله در سال‌های (۱۹۴۴، ۱۹۵۵، ۱۹۵۷، ۱۹۶۷) در معرفی ایده بانکداری بدون ربا کوشیدند. در این آثار کوشش‌شده تا بانک در جایگاه واسطه مالی و به عنوان وکیل سپرده‌گذاران، وجوه را پذیرفته و با قرارداد مشارکت یا مضاربه در اختیار متقاضیان سرمایه قرار داده و سود و ضرر حاصله به حسب قرارداد، بین طرفین تقسیم شود (ابدل غفور[1]، ۱۹۹۵). در دو دهه بعد کوشش‌های دقیق‌تری درباره این موضوع انجام پذیرفت و نویسندگان کوشیدند تا الگویی عملی از بانکداری بدون ربا را ارائه کنند؛ آثاری مانند محمد عُزیر (۱۹۵۹)، شهید آیت الله صدر (۱۹۶۱) و (۱۹۷۴) و پس از آن‌ها عبدالله عربی (۱۹۶۷)، نجات الله صدیقی (۱۹۶۱) و (۱۹۷۱) و النجار (۱۹۷۱) را می‌توان در این ردیف ذکر کرد (کمیجانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۲). نخستین کوشش‌ها برای تأسیس نظام بانکی بدون ربا در جهان اسلام از اواخر دهه ۱۹۵۰ در پاکستان صورت گرفت. حرکت شجاعانه و اساسی دیگری در این‌باره، تجربه سازنده بانک سپرده‌گذاری روستایی مایت قمر بود که در سال ۱۹۶۳ در مصر تأسیس شد (موسویان و مرمرزیاری، ۱۳۹۱: ۳۱). شروع واقعی کار بانک‌های اسلامی به سال ۱۹۷۴ باز می‌گردد چرا که در این سال قیمت نفت افزایش یافت. از آن پس تاکنون بانک‌های اسلامی در میان کشورهای عربی، پاکستان، ایران و آسیای جنوب‌شرقی گسترش یافته‌اند (تقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۸). نخستین آن‌ها بانک اسلامی دبی (۱۹۷۵) و سپس خانه سرمایه‌گذاری کویت (۱۹۷۷) و بانک اسلامی بحرین (۱۹۷۹) بود. دو گروه مالی اسلامی البرکه و دارلمال اسلامی نیز در دهه ۱۹۸۰ پدید آمدند (موسویان و ورمزیاری، ۱۳۹۱: ۳۱). در بسیاری از کشورها ابتکار تأسیس بانک‌های اسلامی در دست بخش خصوصی بود؛ اما در ایران و پاکستان این کار به وسیله دولت انجام پذیرفته و دولت‌های هر دو کشور در سال ۱۹۸۱ به تأسیس بانک‌داری بدون بهره اقدام کردند.

بانک‌های اسلامی بر اساس این که در چه محیطی و وضعیتی قرار دارند به سه دسته قابل تفکیک هستند:

1-Abdul Gafoor

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

۱. بانک‌هایی که در کشورهایی فعالیت می‌کنند که قانون آن کشورها مطابق با شریعت اسلامی است و بانکداری رایج در آن‌جا بانکداری اسلامی است، مثل کشورهای ایران، پاکستان و سودان؛

۲. بانک‌هایی که در کشورهایی فعالیت می‌کنند که اکثریت مردم آن مسلمانند و بانکداری رایج در آن‌جا، بانکداری سنتی است، مثل کشورهای مسلمان عربی؛

۳. بانک‌هایی که در کشورهایی فعالیت می‌کنند که اکثریت مردم آن غیرمسلمانند و بانکداری رایج در آن‌جا، بانکداری سنتی است، مثل کشورهای غربی (اکبریان و رفیعی، ۱۳۸۶: ۹۸).

اولین تفاوت بانکداری متعارف و اسلامی در نحوه استفاده از پول است. در واقع در بانکداری متعارف پول به عنوان یک کالا، به منظور کسب سود، خرید و فروش می‌شود در حالی که در بانکداری اسلامی از پول جهت تسهیل مبادلات و به منظور اجرایی کردن اهداف تجاری استفاده می‌شود. دومین مورد این‌که نظام بانکداری متعارف (ربوی) برای همه نیازها اعم از مصرفی و سرمایه‌گذاری از قرارداد قرض با بهره استفاده می‌کند و به طور معمول نرخ بهره آن نیز در بازار پول و به صورت برون‌زا از اقتصاد واقعی شکل می‌گیرد، این درحالی است که در بانکداری اسلامی متناسب با نیازهای واقعی از انواع قراردادهای واقعی بهره می‌گیرد، این بانک برای تأمین مالی نیازهای مصرفی و سرمایه‌ای مقطعی و کوتاه‌مدت، راه‌هایی چون قرض‌الحسنه، مرابحه، اجاره به شرط تملیک و برای نیازهای سرمایه‌گذاری اساسی و بلندمدت راه‌هایی چون مشارکت، مضاربه، مزارعه و مساقات را معرفی کرده و به جای نرخ بهره از نرخ سود که برگرفته از اقتصاد واقعی است استفاده می‌کند. به عبارت دیگر در بانکداری متعارف سه گروه سپرده‌گذار، بانک و متقاضی تسهیلات، از نظر اقتصادی و حقوقی مستقل از هم عمل می‌کنند در حالی‌که بانکداری اسلامی مبتنی بر تسهیم سود و زیان است (نبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۴۷-۵۴۶).

حال پرسش این است که مزیت بانکداری اسلامی که بر مبنای اصل تحریم ربا بنا شده است بر بانکداری بهره‌ای متعارف چیست؟ دو مورد از این مزیت‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد. نخست ثبات بیشتر نظام بانکداری اسلامی و دیگر کارایی بیشتری که این نظام نوید می‌دهد. رابطه حقوقی وکالت عام در بخش تجهیز منابع مؤسسه‌های بانکی به طور خاص و دیگر واسطه‌های مالی به طور عام، نسبت به هر ترتیب دیگری غیر از این نوع وکالت، ثبات بیشتری برای نظام مالی به ارمغان می‌آورد. از طرفی دیگر، پدید آوردن ساختارهای مشارکتی بین عرضه کنندگان و استفاده‌کنندگان از منابع مالی در جهت تولید ثروت واقعی، دامنه نوسان‌های چرخه‌های تجاری را کاهش داده و به پدید ساختن ثبات بیشتر در بخش واقعی اقتصاد کمک می‌کند. اقتصاد اسلامی بدون بهره کاراتر از نظام متعارف بهره‌ور است چرا که در این ساختار، وجوه آماده برای سرمایه‌گذاری که بر مبنای

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

روش‌های تأمین مالی مشارکتی تخصیص می‌یابند، به تسهیلات گیرندگانی که پروژه‌های مولدتری دارند خواهد رسید، تا به تسهیلات گیرندگانی که شایستگی اعتبار یبیشتری دارند؛ و از این روست که کارایی افزایش می‌یابد. هم‌چنین نظام اسلامی که در برخی موارد بر مبنای مشارکت در سود بین پس اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران فعالیت می‌کند، منافع طرفین را هماهنگ کرده و در نتیجه از این راه نیز کارایی را افزایش می‌دهد. بنابراین بانکداری اسلامی، به منظور دستیابی به رشد و توسعه مناسب‌تر است. البته می‌توان مزیت‌های دیگری مانند عدالت، جامعیت، و پایداری را نیز برای نظام بانکداری اسلامی تصور کرد (عیوضلو و میسمی، ۱۳۸۷: ۱۶۳).

در دهه اخیر توسعه صنعت بانکداری اسلامی در سطح بین‌المللی با رشد چشمگیری مواجه بوده است و انواع مختلفی از موسسات مالی اسلامی (شامل بانک‌های اسلامی) در کشورهای مختلف اسلامی و غیراسلامی تشکیل شده‌اند و به فعالیت مشغولند. اجرای سیستم بانکداری اسلامی می‌تواند منجر به تغییر در شاخص‌های مالی بانک‌ها شود که با ارزیابی این شاخص‌ها می‌توان عملکرد سیستم بانکی را در رسیدن به چشم اندازهای بانکداری اسلامی سنجید. اگرچه هم اکنون در کشورهای اسلامی و غیراسلامی از شاخص‌های کمی و کیفی جهت نظارت بر عملیات بانکداری اسلامی استفاده می‌شود، ولی این نظارت با استفاده از شاخص‌های ارزیابی در بانکداری سنتی انجام می‌گیرد. به نظر می‌رسد مقایسه کشورهای اسلامی در رسیدن به اهداف مدنظر و قوانین بانکداری اسلامی با استفاده از چند شاخص، به اجرای بهتر این نوع بانکداری در کشورهای اسلامی کمک شایانی کند.

لذا در مطالعه حاضر تلاش می‌شود با بررسی عملکرد مالی بانک‌ها در چندین کشور منتخب اسلامی شامل کشورهای ایران، عربستان، مصر، پاکستان، مالزی، قطر، کویت، بحرین، سودان، عمارات، عمان، ترکیه، اندونزی، روسیه، لبنان، یمن و لیبی، میزان موفقیت این کشورها در دستیابی به اهداف نظام بانکداری اسلامی مورد ارزیابی قرار گیرد، به عبارت دیگر بتوانیم به این سؤال پاسخ دهیم که "کشورهای منتخب اسلامی تا چه اندازه در رسیدن به الگوی مناسب بانکداری اسلامی موفق بوده‌اند و تا چه اندازه توانسته‌اند قوانین این نظام را در کشور خود عملیاتی کنند؟"

پیشینه تحقیق

کیایی و همکاران (۱۳۹۳) پس از طراحی و حل مدل بهینه‌سازی برای بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف از روش بهینه‌سازی پویای تصادفی، به بررسی میزان انطباق بانکداری اسلامی موجود در کشور با الگوی مطلوب بانکداری پرداختند. آن‌ها برای استخراج پارامترهای خود از داده‌های ماهانه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

یکی از بانک‌های کشور استفاده کردند. نتایج نشان داد که اگرچه بانک مذکور در چارچوب قانون عملیات بانکداری بدون ربا عمل می‌کرد اما عملکرد آن با راه‌های پیشنهادی الگوی بانکداری متعارف نسبت به الگوی بانکداری اسلامی، هم‌خوانی بیشتری داشته است و علت این امر را عدم توجه نظام بانکی کشور به نقش بانک در جایگاه وکیل سپرده‌گذاران و انتقال سود و زیان واقعی حاصل از فعالیت به آن‌ها می‌دانند.

نادری‌کزج و صادقی (۱۳۸۳) در مقاله خود به مقایسه کارایی بانک‌های اسلامی با بانک‌های ربوی، مقایسه کارایی بانک‌های غیر ربوی با هم و انتخاب کاراترین آنها با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها پرداخته‌اند. آنان در تحقیق خود از داده‌های ۴۱ بانک اسلامی در سال ۲۰۰۰ میلادی و ۴۶ بانک غیراسلامی در سال ۲۰۰۱ میلادی و با استفاده از مدل‌های مربوطه[1] به انتخاب کاراترین بانک پرداخته‌اند. هم‌چنین در این تحقیق کارایی ۴۶ بانک غیرربوی و ۶۴ بانک ربوی در سال ۲۰۰۱ میلادی مقایسه شده است. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان داد کارایی بانک‌های غیر ربوی که در کنار بانک‌های ربوی فعالیت می‌کنند (مانند بحرین و قطر) از کارایی بانک‌هایی که تحت نظام بانکداری غیرربوی فعالیت می‌کنند (ایران، پاکستان و سودان) بیشتر است. هم‌چنین تحقیقات آن‌ها نشان داد که کارایی بانکداری غیرربوی در سال ۲۰۰۱ از بانکداری ربوی کمتر بوده است.

ابراهیمی، بیدرام و عمادزاده (۱۳۸۷) در مقاله خود با فرض بازده ثابت و متغییر به مقیاس، به انتخاب کاراترین بانک‌های اسلامی با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها از بین ۴۰ کشور اسلامی پرداخته‌اند. با فرض بازده ثابت به مقیاس بانک اسلامی بین‌المللی قطر، بانک ملی سودان، بانک خیبر پاکستان، بانک البرکه‌ی اسلامی بحرین، بانک اسلامی ABC بحرین، بانک اسلامی یمن و بانک البرکه‌ی ترکیه و با فرض بازدهی متغییر به مقیاس بانک اسلامی قطر، بانک اسلامی بین‌المللی قطر، بانک اسلامی عربی البانی، بانک حبیب پاکستان، بانک اسلامی سنگال، بانک ملی قزاقستان، بانک مصر SAE، بانک ملی سودان، بانک ملی ابوظبی، بانک خیبر پاکستان، بانک البرکه‌ی اسلامی بحرین، بانک اسلامی ABC بحرین، بانک‌های کشاورزی، مسکن، ملی، رفاه و صادرات، بانک اسلامی یمن و بانک البرکه‌ی ترکیه کارا شناخته شدند.

موسویان و ابراهیمی (۱۳۹۲) در تحقیق خود با بررسی متون دینی به‌ویژه قرآن کریم، سنت و قانون عملیات بانکداری بدون ربا و سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ابتدا به استخراج اصول و معیارهای ناظر بر مباحث بانکداری اسلامی همت گماشته و سپس به استخراج شاخص‌های کمی جهت سنجش انطباق عملکرد نظام بانکی ایران با اصول و موازین شرعی بدست آمده پرداخته‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که با شاخص‌هایی هم‌چون نسبت سود سپرده‌ها و تسهیلات به نرخ

CCR ,1-BCC

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

سود بازار، نسبت متوسط سود سپرده‌ها و تسهیلات به تورم، نسبت سرمایه‌گذاری از طریق اعتبارات بانکی در بخش‌های مختلف اقتصادی (صنعت، کشاورزی و خدمات) به تولید سالیانه می‌توان میـزان هم‌سویی بانکداری با معیارهای عدالت و رشد اقتصادی را بررسی نمود.

محرابی (۱۳۹۱) در مقاله خود به بررسی وضعیت بانکداری اسلامی، رشد و ترکیب دارایـی‌هـای بانک‌های اسلامی، ساختارهای تأمین مالی منطقه و عملکرد بانک‌های اسلامی کشورهای منتخب در کشورهای خاورمیانه و شمال افریقا[1] پرداخته است. یافته‌های او نشان‌گر روند رو بـه رشـد بانکـداری اسلامی در کشورهای مذکور می‌باشد به گونه‌ای که دارایی‌های این صنعت در سـال ۲۰۱۱ مـیلادی بالغ بر ۵۶۰ میلیارد دلار بوده است و پیش‌بینی می‌کند که این عدد تا سال ۲۰۱۵ میلادی به ۹۹۰ میلیارد دلار برسد. در ذکر چالش‌های مربوط به این صنعت نیز بحث پایداری سودآوری این صـنعت با توجه به تأثیرپذیری آن از سقوط ارزش بازار مسکن و هم‌چنـین محـدودیت در قـوانین نظـارتی، مالیاتی و فضای حقوقی آن را یادآور می‌شود.

مرینانی[2] و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله‌ای به مقایسه کارآیی بانکداری اسلامی در مقابل بانکداری سنتی پرداخته‌اند. آن‌ها از داده‌های مربوط به ۱۰ کشور اجراکننده بانکداری اسلامی برای بازه زمانی ۲۰۰۲-۱۹۹۶ میلادی استفاده کرده‌اند. یافته‌های آنان نشان‌گر بازدهی نسبت به مقیاس بالاتر بـرای بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های رایج بود. آن‌ها توصیه می‌کنند که با توجه به سودآوری ناشـی از این افزایش مقیاس، باید برای دهه‌های آینده به شناسایی و غلبه بر عـواملی پرداخـت کـه باعـث کاهش کارآیی (خروجی کمتر برای ورودی) بانک‌های اسـلامی مـی‌شـود و ایـن موضـوع را یکـی از چالش‌های اصلی پیش‌روی بانکداری اسلامی در دهه‌های آینده می‌دانند.

اقبال[3] (۲۰۰۱) در مقاله خود در پاسخ به کمبود مطالعات در زمینه بانکداری اسلامی به مقایسه بانکداری اسلامی و بانکداری سنتی در دهه ۹۰ میلادی برای برخی بانک‌های اسلامی و غیراسـلامی در کشورهای عربستان، بحرین، ترکیه، قطر، کویت، مصر، امارات، اردن، بنگلادش ومـالزی پرداختـه است. یافته‌های او خبر از کاهش سرعت رشد بانکداری اسلامی در دهه ۹۰ میلادی نسبت بـه دهـه ۸۰ میلادی می‌دهد. نتایج تحقیق او نشان‌گر سرمایه، ثبات و سوددهی مناسب بانک‌های اسـلامی و استفاده کارآ از منابع مالی دراختیار است. این مطالعه باور رایج که بانک‌های اسلامی از نقدینگی بالا رنج می‌برند را تأیید نکرد. به‌علاوه مطالعه اقبال نشان‌گر عملکرد بهتر بانک‌های اسـلامی نسـبت بـه بانک‌های غیراسلامی تقریباً در همه زمینه‌ها و برای همه سال‌های دوره مطالعه بوده است.

1- Middle East and North Africa (MENA)
2-Mariani
3-Iqbal

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

بشیر[1] (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای به بررسی عملکرد بانک‌های اسلامی خاورمیانه در سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۳ پرداخته است. نتایج تحقیق او نشان داد که وام‌های کلان منجر به سودهای بالاتر می‌شود و هم‌چنین بانک‌های خارج از کشور[2] نسبت به بانک‌های داخل کشور سودآورترند. او نشان می‌دهد که مالیات‌های ضمنی و صریح روی معیارهای کارآیی بانک اثری منفی داشته و هم‌چنین بانک‌های خارج از کشور و شرایط مطلوب کلان اقتصادی روی معیارهای کارآیی اثر مثبت خواهد داشت. نتایج تحقیق او بیان‌کننده نقش مکمل بازارهای سهام در تأمین مالی بانک‌ها است.

بادر[3] همکاران (۲۰۰۸) در مقاله‌ای به بررسی و مقایسه کارآیی هزینه، درآمد و سود بین بانک‌های اسلامی و سنتی در طول سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۹۰ پرداخته‌اند. آن‌ها از داده‌های ۴۳ بانک اسلامی و ۳۷ بانک رایج متعلق به ۲۱ کشور و برای بازه زمانی ۲۰۰۵-۱۹۹۰ استفاده کرده‌اند و برای مقاله خود از روش تحلیلی پوششی داده‌ها استفاده کرده‌اند. یافته‌های آنان حاکی از نبود تفاوت معنی‌دار در کارآیی نهایی بانک‌های اسلامی و بانک‌های سنتی می‌باشد.

یودیستیرا[4] (۲۰۰۴) در مقاله‌ای به بررسی کارآیی ۱۸ بانک اسلامی پرداخته است. نتایج مطالعه او نشان‌گر این بود که ناکارآیی (بی‌کفایتی) در بین این ۱۸ بانک، حدود ۱۰٪ می‌باشد که نسبت به ناکارآیی بانک‌های رایج عدد کمی می‌باشد. به‌علاوه نتایج مطالعه او نشان می‌دهد که بانک‌های مورد مطالعه از بحران جهانی ۱۹۹۹-۱۹۹۸ آسیب دیدند اما پس از آن به خوبی بازسازی شدند. هم‌چنین نتایج تحقیق او نشان داد که در بانک‌های اسلامی نسبتاً کوچک[5] عدم وجود صرفه نسبت به مقیاس مشاهده می‌شود، از این رو ادغام بانک‌های اسلامی کوچک می‌تواند مفید واقع شود.

این مطالعه به شاخص‌های کارآیی بازارهای مالی و نقش آن‌ها در سیستم بانکداری کشورهای منتخب اسلامی پرداخته است که در مطالعات پیشین کمتر به این اصل اساسی پرداخته شده است. با توجه به منابع در دسترس مطالعه حاضر، مطالعه‌ای که در آن با استفاده از شاخص‌های کمی و معین مبتنی بر اصول و معیارهای اسلامی به بررسی تجربه بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی پرداخته باشد، به ندرت دیده می‌شود.چرا که بین کارآیی بازارهای مالی و عملکرد مطلوب نظام بانکی رابطه تنگاتنگی وجود دارد و تلاش این تحقیق پرداختن به نقش این عامل در عملکرد بانک‌های اسلامی در کشورهای منتخب اسلامی می‌باشد که برای تحقق این امر از شاخص‌های موجود استفاده شده است.

1-Bashir

۲- بانک‌هایی که متعلق به یک کشورند اما خارج از آن کشور فعالیت می‌کنند

3- Bader
4- Yudistira
5-Small-to-Medium

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

روش بررسی

در این قسمت با بررسی متون دینی به ویژه قرآن و سنت و قانون عملیات بانکی بدون ربا و با بررسی سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه کشور ایران، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، اصول و معیارهای ناظر به مباحث بانکداری اسلامی استخراج می‌شود. اصول و معیارهای بانکداری اسلامی را می‌توان در یک تقسیم بندی کلی به سه گروه تقسیم نمود:

۱.معیارهای انطباق با اهداف نظام اقتصادی اسلام

الف) رشد اقتصادی: یکی از اهداف مهم نظام اسلامی، تحقق رشد در همه ابعاد آن، از جمله رشد اقتصادی است. رشد اقتصادی در همه عرصه‌های نظام اقتصادی از جمله نظام بانکی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این زمینه مقام معظم رهبری در بند ۲۳ سیاست‌های ابلاغی جهت تدوین برنامه پنجم توسعه، به صورت صریح و روشن جهت رشد مناسب اقتصادی خواستار «اصلاح ساختار نظام بانکی با اجرای کامل و روزآمد قانون بانکداری بدون ربا و نهادینه کردن نظام‌های قرض‌الحسنه، تأمین اعتبارات خرد و اعتبارات لازم برای سرمایه گذاری بزرگ» شده‌اند (سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، بخش توسعه اقتصادی).

ب) استقلال اقتصادی: اسلام با مطرح ساختن بحث خودکفایی به دنبال تأمین نیاز جامعه اسلامی در حد بالایی از رفاه با اتکا به توانمندی‌های داخلی است و در مباحث مربوط به استقلال اقتصادی هم به دنبال حضور فعال و قدرتمند در تجارت و سایر فعالیت‌های اقتصادی درصدد قطع وابستگی و عزت، عظمت و سربلندی جامعه اسلامی است. این مهم بدون به‌کارگیری شبکه عظیم سیستم بانکی که منابع مورد نیاز طرح‌های اقتصادی مؤثر و نقش‌آفرین در بهبود ترازپرداخت‌ها و در نتیجه خودکفایی و استقلال اقتصادی را فراهم سازد امکان پذیر نیست (سیدنژاد، ۱۳۹۰).

ج) عدالت اقتصادی: یکی از شعب اصلی و مهم عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی است. عدالت اقتصادی به معنای «دادن حق هر کس از درآمدها و ثروت‌های جامعه» به عنوان یک هدف و یک راهبرد کلان در نظام اقتصادی اسلام قابل طرح است. عدالت اقتصادی به عنوان یک هدف، سمت و سوی نظام اقتصادی اسلام را بیان می‌کند و به عنوان یک راهبرد کلان، چارچوبی برای سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که برای رسیدن به اهداف نظام ترسیم می‌گردد (میرمعزی، ۱۳۹۳).

جریان عدالت در نظام بانکی را می‌توان حداقل در سه محور انتظار داشت:

الف) توزیع عادلانه منابع بانکی (تسهیلات و خدمات بانکی)

ب) توزیع عادلانه درآمدها و هزینه های بانکی (سود سپرده ها و تسهیلات و کارمزد خدمات بانکی)

ج) نقش نظام بانکی در مسئله فقرزدایی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

نقش نظام بانکی در توزیع عادلانه منابع

بطور طبیعی در هر نظام اقتصادی گروهی از مردم با این که سرمایه نقدی قابل توجه در اختیار دارند لکن به دلایل مختلف نمی‌توانند یا نمی‌خواهند خودشان به صورت مستقیم وارد فعالیت اقتصادی شوند و ترجیح می‌دهند از نهادها و واسطه‌های مالی استفاده کنند که یکی از باسابقه‌ترین، رایج‌ترین و مؤثرترین واسطه‌های مالی، نظام بانکی است. نظام بانکی با استفاده از شعب گسترده و با بهره‌گیری از انواع سپرده‌ها، سرمایه‌های ریز و درشت، کوتاه‌مدت و بلندمدت را از سراسر کشور جمع‌آوری کرده، تبدیل به سرمایه‌های کلان و باثبات می‌کند، سپس آن‌ها را در قالب انواع تسهیلات بانکی در اختیار متقاضیان وجوه قرار می‌دهد.

مطالعات نظری و تجربه صنعت بانکداری نشان می‌دهد که اگر نظام بانکی با برنامه‌ریزی صحیح و هدف‌دار مدیریت شود می‌تواند نقشی کلیدی و حساس در تخصیص بهینه منابع و سرمایه‌های نقدی داشته باشد و در نقطه مقابل اگر برنامه‌ریزی صحیح و هدف‌دار نباشد یا نظارت کافی بر عملکرد نظام بانکی نباشد، ممکن است برخی از پدیده‌هایی (مانند: تمرکز منابع بانکی در مناطق خاص اقتصادی، تمرکز منابع بانکی در بخش‌های خاص اقتصادی، تمرکز منابع بانکی در اشخاص و گروه‌های درآمدی خاص، تخصیص سیاسی منابع برای طرح‌ها و پروژه‌های غیراقتصادی) رخ دهد و توزیع منابع بانکی را با ناعدالتی مواجه کند (موسویان و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۶).

محورهای توزیع عادلانه منابع در نظام بانکی

اصل احراز ارزش افزوده

رعایت حقوق سپرده‌گذاران از یک‌سو و منافع جامعه ازسوی دیگر الزام می‌کند که پیش‌شرط هر نوع تخصیص منابع بانکی در بانکداری اسلامی احراز وجود سود و ارزش افزوده در طرح یا پروژه است و اختصاص هر نوع وجوهی به طرح‌هایی که توجیه فنی و اقتصادی ندارند خلاف مقتضای قرارداد وکالت و تصرف در اموال دیگران بدون مجوز شرعی است (موسویان و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۷).

اصل توزیع متوازن منابع

رعایت مصالح بلندمدت جامعه اقتضا می‌کند که منابع بانکی، از جهت مناطق، ازجهت بخش‌های مختلف اقتصادی و نوع پروژه‌های کوچک، متوسط و بزرگ و بین گروه‌های مختلف اجتماعی به صورت متوازن توزیع شود و اگر در منطقه یا بخش یا گروه‌های اجتماعی خاص مشکلات و موانعی سر راه بازدهی معقول و متعارف وجود دارد، نظام اقتصادی با مطالعه جامع و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و رفع موانع و مشکلات، آن‌ها را به سطح مطلوب برساند (موسویان و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۷).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

اصل ایجاد اشتغال

مطالعات نظری و تجربی نشان می‌دهند که راه حل اصولی رفع فقر، ایجاد اشتغال و درآمد است. بنابراین یکی از اصول و معیارهای تخصیص منابع در بانک‌های اسلامی، بایستی میزان ایجاد اشتغال طرح درمقایسه با طرح های مشابه و رقیب باشد، مسئولین و سیاست‌گذاران نظام بانکی بایستی به گونه‌ای سیاست‌گذاری کنند تا از میان تقاضاهای گوناگون، با رعایت اصول گذشته، آن‌که اشتغال بیشتری به همراه دارد انتخاب شود (موسویان و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۷).

نقش نظام بانکی در توزیع عادلانه درآمدها و هزینه‌های بانکی

بانک‌های اسلامی به عنوان مؤسسه‌های واسط گردش سرمایه‌های نقدی جامعه و بانک مرکزی به عنوان نماینده دولت برای رعایت مصالح جامعه در بخش پولی وظیفه دارند از باب «اعطای کل ذی حقه» نرخ‌های سود سپرده‌ها، تسهیلات بانکی و حاشیه سود خود بانک را به صورتی تنظیم کنند تا منافع سپرده گذاران، متقاضیان تسهیلات، سهامداران بانک و در نهایت کل جامعه را به تعادل برسانند (موسویان و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۷).

نقش نظام بانکی در مسئله فقرزدایی

بانک‌های اسلامی می‌توانند با فراهم آوردن عقدهای زیر، زمینه‌های کاهش فقر در جامعه را فراهم آورند (صمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲-۹).

اعطای قرض‌الحسنه: قرض‌الحسنه می‌تواند به عنوان یکی از بهترین ابزارهای کارآمد در سیستم بانکی باشد و برای آن دسته از افراد که بضاعت کافی برای تأمین مالی نیازهای عمومی و ضروری خود را ندارند، قدرت مالی نسبی را ایجاد نماید. برخی از آثار اقتصادی عقد قرض‌الحسنه عبارتند از:
چون این وجوه در اختیار سایر مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان قرارا می‌گیرد و تقاضای آن‌ها تأمین می‌شود لذا رفاه و تولید کل در اقتصاد بالا می‌رود.

گسترش قرض‌الحسنه موجب بهبود توزیع درآمد میان قشرهای مختلف و افزایش کارایی اقتصادی می‌شود.

عقود مشارکتی: تسهیلات اعطایی مشارکتی شامل مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم، مزارعه و مساقات می‌باشند. نظام مشارکتی می‌تواند با از بین بردن عواملی نظیر توزیع ناعادلانه درآمد، فقدان سرمایه، فقدان امکانات شغلی، پایین بودن بهره‌وری و سود، پایین بودن سطح تولید و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و بی‌ثباتی اقتصادی در جهت کاهش فقر عمل نماید.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

عقود مبادله‌ای: بانک‌ها از طریق قراردادهای مبادله‌ای مانند فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله، سلف، خرید دین، مرابحه و استصناع، می‌توانند با استفاده از منابع خود، تقاضای مشتریان را پاسخ دهند. عقود مبادله‌ای دارای بازدهی ثابت و از قبل تعیین شده می‌باشند. در این عقود، بانک‌ها با قطع نظر از نقش سرمایه و عملکرد بنگاه خاص، قیمت را چنان تنظیم می‌کنند که سود از قبل تعیین شده بانک تأمین شود. پس به طور کلی می‌توان گفت، اگر هدف اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی کشورها عدالت اجتماعی باشد و بخواهیم عدالت اقتصادی را در بعد سیستم پولی به اجرا درآوریم چاره‌ای نداریم جز این‌که سپرده‌گذاران را در سرمایه‌گذاری‌هایی که با پول آن‌ها انجام می‌شود مشارکت دهیم، و از عقود مشارکتی و هم‌چنین از قرض‌الحسنه استفاده کنیم.

تقویت سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی را می‌توان به صورت زیر تعریف نمود: «انباشت اعتماد، هنجار و شبکه اجتماعی که مردم به وسیله آن می‌توانند مشکلات مشترک را حل نمایند». اعتماد، روح سرمایه اجتماعی است و مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردد. لذا بانک‌ها می‌توانند با ایجاد مؤلفه‌های اقتصادیِ اعتماد از جمله قرض‌الحسنه، اعتماد کافی را در اعضا بوجود آورند که در صورت نیاز مادی و اقتصادی، همواره نهادهایی برای حمایت از آن‌ها وجود دارد. مؤلفه‌های اقتصادی، اعتماد به ساختارهای جامعه اسلامی را فراهم می‌آورد و اجازه نمی‌دهد که نیازهای مادی مسلمانان، موجب بی‌اعتمادی به کل ساختار اسلامی شود (کوهکن، ۱۳۸۷: ۱۲۶و۱۳۶).

تقویت اخلاق حرفه‌ای: اخلاق به عنوان تنظیم‌کننده روابط میان انسان‌ها، همواره از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. به‌کارگیری الگوهای اخلاقی در بانک به درک بهتر خواسته‌های مشتری کمک نموده و منجر به بررسی و تأمین نیازهای آن‌ها می‌شود که در نتیجه علاوه بر ایجاد مزیت رقابتی برای شرکت، رضایت مشتریان آن‌ها را نیز فراهم کرده و علاوه بر دستیابی به منافع خود، منافع کل جامعه را تأمین می‌نماید. وجود ارزش‌های اخلاقی در صنعت بانکداری به معنی حذف کلیه عملیات مجرمانه از جمله کلاهبرداری، رشوه خواری و فساد است (بیک‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۵). ارزش‌های اخلاقی باید در تمام بخش‌های بانکداری اسلامی حاکم باشد. از مهم‌ترین اصول اخلاقی حاکم بر بانکداری اسلامی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (طالبی و کیائی، ۱۳۹۱: ۱۵۳). دسترسی عادلانه اقشار مختلف جامعه به خدمت و محصول بانک در بانکداری اسلامی، آسان‌سازی و روان‌سازی فرایند ارائه خدمات به مشتریان به منظور کسب رضایت آن‌ها، تنظیم ضوابط ارتقاء کارکنان بر مبنای شایسته سالاری، تنظیم وثایق موردنیاز برای ارائه تسهیلات متناسب با توان مشتری.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

۲. معیارهای انطباق با فقه اقتصادی اسلام

معیارهای انطباق با فقه اقتصادی اسلام برگرفته از متون دینی به ویژه قرآن و سنت در زمینه بانکداری اسلامی است که شامل معیارهای زیر می‌باشد:

ممنوعیت اکل مال به باطل: یکی از ضوابط عمومی قراردادها، ممنوعیت اکل مال به باطل است. این ضابطه عمومی افزون بر این‌که یک ضابطه کلی حاکم بر همه قراردادها و روابط مالی بازار سرمایه اسلامی است، حتی بر بسیاری از ضوابط عمومی دیگر ناظر می‌باشد؛ به عبارت دیگر، برخی از ضوابط عمومی، خود مصداق این ضابطه می‌باشند. فقیهان بزرگوار اسلام در موارد زیادی، از باب اکل مال به باطل، به حرمت و بطلان معامله حکم کرده‌اند که از آن‌جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف. مواردی که موضوع معامله مالیت ندارد

ب. مواردی که موضوع معامله منفعت حلال ندارد

ج. مواردی که معامله موجب تضیع حقوق دیگران می‌شود.

مستند اصلی فقها در ممنوعیت اکل مال به باطل آیاتی از قرآن کریم بویژه آیه ۲۹ سوره نساء است «یا أیهَا الذِینَ آمَنُوا لاَ تَأْکلُوا أَمْوَالَکم بَینَکم بِالْبَاطِلِ إِلا أَن تَکونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِنْکُم» [۲۵]. بر اساس این ضابطه، هر نوع تصرف و تملک اموال دیگران، که از دید عرف اکل مال به باطل باشد، از نظر شرع حرام خواهد بود که بانک‌های اسلامی می‌توانند با اجتناب از انعقاد چنین قراردادهایی، زمینه‌های اجرای این اصل را در جامعه فراهم سازند.

ممنوعیت ربا: شاید مهم‌ترین و شاخص‌ترین تفاوت بین بانکداری اسلامی با بانکداری سنتی، ممنوعیت ربا باشد، در حالی که ربا و بهره در تار و پود بانکداری سنتی حضور دارد و به اشکال مختلف سپرده‌ها، وام‌ها و اعتبارات بانکی، کارت‌های اعتباری و در همه ابعاد بانکداری سنتی جریان دارد، اسلام با شدت تمام از آن نهی کرده، از گناهان کبیره شمرده و مرتکب شونده آن را به عقاب دردناک اخروی بیم داده است. بر اساس این معیار هر نوع زیاده در هر قرضی ربا و حرام است و بایستی تمام معاملات بانکی به ویژه در بخش تجهیز، تخصیص منابع و خدمات بانکی از ربا و شبهه ربا دور باشد (موسویان و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۵).

ممنوعیت غرر: یکی از معیارهای فقه اقتصادی اسلام، معیار ممنوعیت غرر است. فقیهان اسلام برخی از قراردادها را به سبب وجود غرر و بستن باب مخاطره‌ای که به کشمکش در معامله‌ها می‌انجامد، باطل می‌دانند. مطابق معیار ممنوعیت غرر، بانک‌های بدون ربا موظف هستند در طراحی انواع قراردادها، ابزارهای مالی، آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی و سیاست‌های نظارتی به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

گونه‌ای عمل کنند که معامله‌های بانکی بدون هیچ‌گونه ابهام و جهالتی نسبت به حقوق بانک و مشتریان انجام شود (نظرپور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

ممنوعیت ضرر و ضرار: به مقتضای این قاعده شرع مقدس اسلام تنها آن گروه از معاملات را تأیید می‌کند که اصل معامله، اطلاق معامله و یا شرایط معامله، باعث ضرر و ضرار نشود. براین اساس، بانک مرکزی و بانک‌های اسلامی وظیفه دارند در وضع قوانین و ضوابط، تنظیم قراردادها و انجام فعالیت‌های بانکی، افزون بر مصالح بانک به رعایت حقوق مشتریان به ویژه جامعه توجه کنند.

صوری نشدن معاملات: معامله صوری معامله‌ای است که بدون قصد انشاء و به ظاهر منعقد می‌شود؛ یعنی طرفین چنین وانمود می‌کنند که عقدی را منعقد ساخته‌اند و حال آن‌که محتوای آن را قصد نکرده‌اند و قصد آنها بر خلاف صورت ظاهر عقد است. به مقتضای معیار صوری شدن معاملات، طرفین معامله (کارکنان نظام بانکی و متقاضیان)، هنگام انعقاد قرارداد باید قصد انشاءی معامله (قصد اجرای معامله به طور صحیح با توجه به مفاد قرارداد) که یکی از شرایط اساسی صحت معامله است را داشته باشند. این معامله در فقه به موجب قاعده «العقود تابعة للقصود» و در حقوق به موجب مواد ۱۹۱، ۱۹۶، ۴۶۳، ۱۱۴۹ قانون مدنی به خاطر فقدان قصد انشاءی واقعی و درونی باطل می‌باشد (نظرپور و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۲-۶۹).

۳. معیارهای انطباق با روزآمدی

مبحث انطباق با معیارهای روزآمدی برگرفته از قانون عملیات بانکی بدون ربا و در دو حوزه جامعیت و ثبات بانکداری اسلامی مطرح می‌شود:

معیار جامعیت: بانکداری اسلامی باید در بخش تجهیز منابع، قسمت اعظم سپرده‌گذاران به ویژه مشتریان اصلی بانک را به خود جذب کند و در بخش تخصیص منابع و خدمات بانکی به بخش مهم نیازهای متقاضیان، تسهیلات بانکی و مشتریان خود پاسخ مثبت دهد و با روش‌ها و عقدهای مناسب خود، انواع تسهیلات بانکی اعطا نماید تا متقاضیان تسهیلات اعم از مصرف‌کنندگان و فعالان اقتصادی برای نیازهای کوتاه‌مدت و میان‌مدت و بلندمدت با انواع سلیقه‌ها بتوانند روش و عقد متناسب با هدف خود را انتخاب نمایند (موسویان و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۵).

معیار ثبات: معیار دوم مبحث انطباق با معیارهای روزآمدی، معیار ثبات است. بانکداری اسلامی با تأکید بر قراردادهای اقتصاد واقعی به‌ویژه استفاده از روش مشارکت به جای قرض ربوی و تأکید بر متغیر سود به جای بهره، به عنوان متغیری درون‌زا و برخاسته از اقتصاد واقعی و تأکید بر نظارت و کنترل اعتبارات تخصیصی نظام بانکی، از رشد حباب‌وار ابزارهای مالی و اعتبارات بانکی جلوگیری می‌کند و ثبات قابل توجهی در درجه نخست به نظام بانکی و در مرحله بعد به کل نظام اقتصادی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

اعطا می‌کند (موسویان و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۵). به منظور مقایسه و ارزیابی عملکرد بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی، از دو سری شاخص استفاده شده است:

الف)شاخص‌های گزارش شده توسط مجمع جهانی اقتصاد: مجمع جهانی اقتصاد که هر ساله به رتبه‌بندی اقتصاد کشورها بر اساس میزان رقابت‌پذیری آن‌ها می‌پردازد، پیشرفته بودن بازار مالی را یکی از ارکان دوازده‌گانه رقابت‌پذیری کشورها اعلام کرده است.

ب)شاخص‌های گزارش شده توسط بانک جهانی: مجموعه داده‌های شاخص‌های توسعه جهانی [1]، گزینش جامعی را در مورد شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی ارائه کرده و داده‌ها را از بانک جهانی و بیش از ۳۰ سازمان شریک جمع‌آوری می‌کند. این بانک اطلاعات بیش از ۹۰۰ شاخص را برای ۲۱۰ اقتصاد تحت پوشش قرار داده که داده‌ها به سال ۱۹۶۰ میلادی برمی‌گردند.

الف)شاخص‌های گزارش شده توسط مجمع جهانی اقتصاد

در دسترس بودن خدمات مالی[2]: این شاخص، میزان گستردگی طیف خدمات مالی مطلوب برای تأمین نیازهای مالی افراد و بنگاه‌ها را نشان می‌دهد. خدماتی از قبیل اعتبار، سپرده، پرداخت، بیمه و دیگر خدمات مدیریت کننده ریسک. البته باید بین دسترسی به خدمات مالی و استفاده واقعی از آن‌ها تفاوت قائل شد، چرا که ممکن است کسی به خدمات مالی دسترسی داشته باشد ولی بنا به دلایلی[3] از آن‌ها استفاده نکند و در مقابل کسی به خدمات مالی نیاز داشته باشد ولی در زمان مذکور بنا به دلایلی نتواند از آن خدمات بهره‌مند شود. وضعیت این شاخص برای کشورهای منتخب اسلامی در جدول ۱ و نمودار ۱ گزارش شده است:

1-World Development Indicators (WDI)
2-Availability of Financial Services

۳-دلایل فرهنگی ، دینی و شخصی و ...

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

(جدول۱ و نمودار ۱. در دسترس بودن خدمات مالی برای کشورهای منتخب اسلامی)

ارزش	کشور/اقتصاد	رتبه(در بین ۱۴۴ کشور)
۵,۸	قطر	۱۳
۵,۷	بحرین	۱۵
۵,۶	مالزی	۱۷
۵,۶	سودان	۲۰
۵,۵	امارات	۲۲
۵,۲	ترکیه	۳۵
۴,۹	اندونزی	۴۶
۴,۹	عمان	۴۷
۴,۹	عربستان	۴۸
۴,۶	لبنان	۶۰
۴,۴	کویت	۶۸
۴,۴	روسیه	۷۱
۴,۲	پاکستان	۸۲
۳,۴	مصر	۱۲۹
۲,۹	ایران	۱۳۵
۲,۷	یمن	۱۴۱
۲,۱	لیبی	۱۴۴

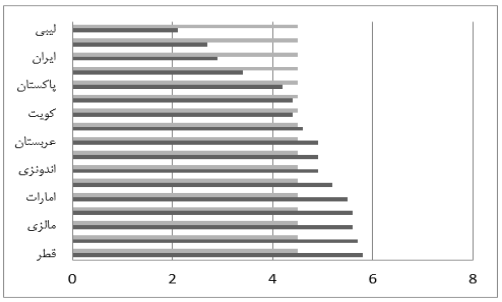

منبع: گزارش‌های مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۵-۲۰۱۴)

مقایسه بین کشورهای اسلامی مورد نظر از لحاظ در دسترس بودن خدمات مالی و همچنین مقایسه با میانگین مقدار آن برای نمونه مورد نظر بصورت نموداری در نمودار شماره ۱ نمایش داده شده است.

از نظر شاخص در دسترس بودن خدمات مالی، از بین کشورهای اسلامی، کشورهایی هم‌چون قطر، بحرین و مالزی به ترتیب رتبه‌های نخست را به خود اختصاص داده‌اند. علاوه بر این کشورها، کشورهایی نظیر سودان، امارات، ترکیه، اندونزی، عمان، عربستان و لبنان دارای ارزشی بالاتر از میزان متوسط برای این شاخص می‌باشند که نشان‌گر دستیابی این کشورها به عملکرد بهتر در این شاخص می‌باشد. این شاخص نشان می‌دهد که طیف خدمات مالی در کشورهای اسلامی نظیر ایران، یمن و لیبی چندان گسترده نیست چرا که این کشورها دارای رتبه‌های بالا در بین ۱۴۴ کشور گزارش شده مجمع جهانی اقتصاد هستند.

قابل تأمین بودن هزینه استفاده از خدمات مالی[1]: این شاخص نشان می‌دهد که تأمین مالی تا چه حد برای افراد و بنگاه‌ها مقرون به صرفه بوده است که می‌توان از آن به عنوان قیمت خدمات مالی نام برد. وضعیت این شاخص برای کشورهای منتخب اسلامی در جدول ۲ و نمودار ۲ گزارش شده است: همان‌طور که از جدول ۲ مشخص است کشورهایی هم‌چون قطر، مالزی و بحرین به ترتیب رتبه‌های نخست را به خود اختصاص داده اند. همان کشورهایی که در شاخص در دسترس بودن خدمات مالی نیز دارای رتبه خوبی بودند. کشورهایی هم‌چون ایران، یمن و لیبی در شاخص

1-Affordability of Financial Services

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

مذکور عملکرد بهتری نداشته‌اند که نشان از بالا بودن هزینه استفاده از تسهیلات بانکی در کشورهای مذکور دارد.

(جدول ۲ و نمودار ۲. هزینه استفاده از خدمات مالی برای کشورهای منتخب اسلامی)

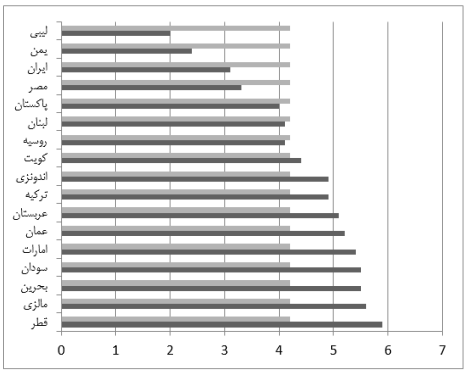

ارزش	کشور/اقتصاد	رتبه(در بین ۱۴۴ کشور)
۵,۹	قطر	۶
۵,۶	مالزی	۱۲
۵,۵	بحرین	۱۵
۵,۵	سودان	۱۶
۵,۴	امارات	۲۰
۵,۲	عمان	۲۷
۵,۱	عربستان	۳۰
۴,۹	ترکیه	۳۷
۴,۹	اندونزی	۴۱
۴,۴	کویت	۵۲
۴,۱	روسیه	۶۹
۴,۱	لبنان	۷۲
۴,۰	پاکستان	۸۴
۳,۳	مصر	۱۲۶
۳,۱	ایران	۱۳۰
۲,۴	یمن	۱۴۳
۲,۰	لیبی	۱۴۴

منبع: گزارش‌های مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۵-۲۰۱۴)

سهولت دسترسی به وام[1] : نشان می‌دهد که تا چه اندازه دریافت وام بدون وثیقه و فقط با یک کسب وکار خوب امکان‌پذیر است. فرایند طولانی پرکردن فرم های اضافی و پیچیده در بانک و گرفتن وثایق سنگین از مواردی هستند که دسترسی به وام را دشوار می‌سازند. وضعیت این شاخص برای کشورهای منتخب اسلامی در جدول ۳ و نمودار ۳ گزارش شده است:

شاخص سهولت دسترسی به وام می‌تواند شاخص بهتری برای ارزیابی عملکرد بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی باشد چراکه اختصاص منابع بانکی به همه اقشار جامعه به خصوص افراد نیازمند از مهم‌ترین الزامات سیستم بانکی است. سه رتبه نخست این شاخص به ترتیب به ۳ کشور اسلامی قطر، مالزی و امارت اختصاص دارد. کشورهایی نظیر لیبی، ایران، یمن، مصر، پاکستان، لبنان و ترکیه دارای ارزشی کمتر از میزان متوسط هستند که نشان از ضعف نظام بانکی این کشورهاست. این آمارها می‌تواند حکایت از آن داشته باشد که در این کشورها، منابع مالی کمتری در اختیار کارآفرینان و طرح‌های سرمایه‌گذاری پربازده قرارگرفته است.

استحکام مالی بانک‌ها [2] : امروزه بانک‌ها نقش مهمی را در ثبات هر اقتصادی بازی می‌کنند از این‌رو هرگونه بی‌ثباتی در سازوکارهای مالی بانک‌ها به اقتصاد منتقل خواهد شد. استحکام مالی

1-Ease of Access to Loans
2-Soundness of Banks

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

بانک‌ها نشان‌گر ثبات و مقاومت بانک‌ها در برابر بحران‌ها و نوسانات مالی مـی‌باشـد. تحـریم، رکـود، سیاست‌های تقسیم سود، سرمایه، میزان اعتبارات اعطایی و... از عوامل مهم تأثیرگذار بـر اسـتحکام مالی بانک‌ها به شمار می‌روند. وضعیت این شاخص برای کشورهای منتخب اسـلامی در جـدول ۴ و نمودار ۴ گزارش شده است:

(جدول۳ و نمودار ۳. سهولت دسترسی به وام برای کشورهای منتخب اسلامی)

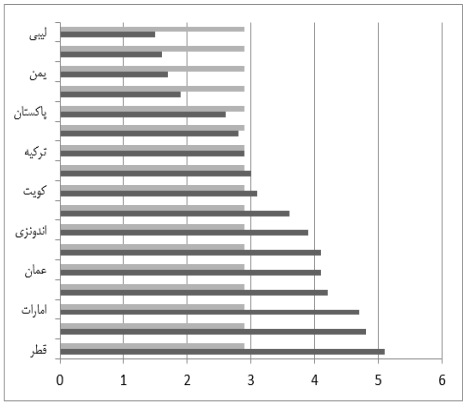

ارزش	کشور/اقتصاد	رتبه(در بین ۱۴۴ کشور)
۵,۱	قطر	۱
۴,۸	مالزی	۲
۴,۷	امارات	۳
۴,۲	بحرین	۸
۴,۱	عمان	۹
۴,۱	سودان	۱۰
۳,۹	اندونزی	۱۵
۳,۶	عربستان	۲۷
۳,۱	کویت	۴۵
۳,۰	روسیه	۵۶
۲,۹	ترکیه	۶۴
۲,۸	لبنان	۷۶
۲,۶	پاکستان	۹۰
۱,۹	مصر	۱۲۹
۱,۷	یمن	۱۳۳
۱,۶	ایران	۱۴۱
۱,۵	لیبی	۱۴۲

منبع: گزارش‌های مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۵-۲۰۱۴)

(جدول۴ و نمودار ۴. استحکام مالی بانک‌ها برای کشورهای منتخب اسلامی)

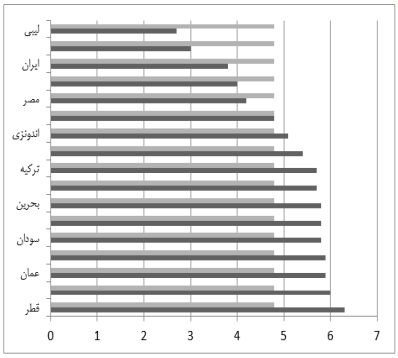

ارزش	کشور/اقتصاد	رتبه(بین ۱۴۴ کشور)
۶,۳	قطر	۹
۶,۰	عربستان	۱۷
۵,۹	عمان	۲۲
۵,۹	عمارات	۲۳
۵,۸	سودان	۲۶
۵,۸	لبنان	۲۷
۵,۸	بحرین	۲۸
۵,۷	مالزی	۳۵
۵,۷	ترکیه	۳۸
۵,۴	کویت	۵۰
۵,۱	اندونزی	۶۰
۴,۸	پاکستان	۷۱
۴,۲	مصر	۱۱۰
۴,۰	روسیه	۱۱۸
۳,۸	ایران	۱۲۵
۳,۰	یمن	۱۳۷
۲,۷	لیبی	۱۴۲

منبع: گزارش‌های مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۵-۲۰۱۴

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

استحکام و ثبات مالی بانک‌ها به عنوان هسته اصلی فعالیت‌های پولی و مالی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. از نظر شاخص استحکام مالی بانک‌ها، از بین کشورهای اسلامی کشورهای قطر، عربستان و عمان دارای رتبه‌های پایین‌تری هستند. آمار این شاخص نشان می‌دهد که اقتصاد و سیستم بانکی کشورهایی نظیر ایران، یمن و لیبی بیشترین آسیب‌پذیری را از رکود، تحریم و سایر شرایط بحرانی داشته است. از عوامل زمینه‌ساز این رتبه بالا (وضعیت نامطلوب) می‌توان به پایین بودن تولید ناخالص حقیقی و تنزل نمودن ارزش پول ملی اشاره کرد. به نظر می‌رسد اجرا نشدن کامل و دقیق همه عقود اسلامی نیز از دیگر عوامل کاهنده ثبات مالی بخش بانکی باشد.

حمایت قانونی از حقوق وام‌دهنده و وام گیرنده[1] : این شاخص درجه حمایت قوانین وثیقه و ورشکستگی از حقوق وام‌دهندگان و وام گیرندگان و آثار آن در تسهیل وام‌دهی را اندازه‌گیری می‌کند. داده‌های مربوط به این شاخص از طریق تکمیل پرسشنامه توسط حقوق‌دانان مالی و تأیید آن‌ها از طریق تحلیل قوانین و مقررات مرتبط و هم‌چنین منابع عمومی اطلاعات یک کشور در خصوص قوانین ورشکستگی و وثیقه حاصل می‌شود. وضعیت این شاخص برای کشورهای منتخب اسلامی در جدول ۵ و نمودار ۵ گزارش شده است:

(جدول۵. حمایت قانونی از حقوق وام‌دهنده و وام گیرنده برای کشورهای منتخب اسلامی)

ارزش	کشور/اقتصاد	رتبه(بین ۱۴۴ کشور)
۱۰	مالزی	۱
۸	سودان	۲۹
۶	پاکستان	۶۳
۵	اندونزی	۸۵
۵	عربستان	۸۵
۴	ایران	۹۶
۴	عمان	۹۶
۴	ترکیه	۹۶
۴	امارات	۹۶
۳	بحرین	۱۱۳
۳	مصر	۱۱۳
۳	کویت	۱۱۳
۳	لبنان	۱۱۳
۳	قطر	۱۱۳
۳	روسیه	۱۱۳
۲	یمن	۱۳۷
۱	لیبی	۱۴۴

منبع: گزارش‌های مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۵-۲۰۱۴)

آمار شاخص حمایت قانونی از حقوق وام‌دهنده و وام گیرنده حکایت از آن دارد که اکثر کشورهای اسلامی دارای رتبه‌های بالا می‌باشند. کشور ایران در این شاخص نسبت به شاخص‌های قبلی وضعیت بهتری دارد ولی کشورهای یمن و لیبی دارای وضعیت نامطلوب در بین ۱۴۴ کشور

1-Legal Rights Index

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

می باشند. کشور مالزی رتبه نخست را در شاخص مذکور، در بین کشورهای اسلامی و غیر اسلامی مورد بررسی مجمع جهانی اقتصاد، به خود اختصاص داده است.

ب)شاخص‌های گزارش شده توسط بانک جهانی

اعطای اعتبار به بخش خصوصی توسط بانک‌ها (درصدی از GDP)[1]: هر چه شاخص ذکر شده بزرگ‌تر باشد، نشان‌گر بهره‌مندی بیشتر مردم از اعتبارات و منابع بانکی است. وضعیت این شاخص برای کشورهای منتخب اسلامی در جدول ۶ گزارش شده است:

(جدول۶. اعطای اعتبار به بخش خصوصی توسط بانک ها (درصدی از GDP)
برای کشورهای منتخب اسلامی)

سال/کشور	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
ایران	۵۶/۵۰۴۰۸	۶۰/۴۵۹۸۴	۵۵/۴۸۲۸۶	۵۷/۶۷۰۰۳	۵۲/۱۵۹۰۶	۵۲/۰۵۱
عربستان	۴۵/۶۲۹۸	۳۹/۲۶۷۹۷	۳۴/۱۸۸۹۶	۳۶/۴۳۹۱۵	۴۰/۳۴۳۶۳	۴۴/۸۸۹۷۸
قطر	۵۱/۷۳۲۹۷	۴۴/۶۹۶۷۹	۳۹/۲۷۳۴۹	۳۶/۵۱۶۰۸	۳۹/۱۰۹۹۳	۴۴/۸۶۹۵۹
بحرین	۷۱/۴۳۷۲۷	۶۷/۶۹۷۲۶	۶۸/۹۱۲۱۵	۶۹/۱۲۷۴۹	۶۸/۸۷۲۶۳	۶۲/۹۷۱۰۵
مالزی	۱۱۱/۴۴۷۳	۱۱۰/۲۷۳۷	۱۱۱/۵۸۵۲	۱۱۷/۶۰۲۳	۱۲۳/۸۸۴	۱۲۴/۶۳۳۱
سودان	۱۲۵/۹۱۲۸	۱۲۴/۳۸۴	۱۲۶/۴۱۳۵	۱۳۰/۱۲۸۴	۱۳۱/۶۵۷۵	-
امارات	۸۴/۴۶۴۶۷	۷۵/۳۹۴۳۶	۶۴/۱۹۲۴۷	۶۰/۸۸۷۹۵	۶۴/۳۹۲۸۵	۷۲/۶۰۹۴۱
ترکیه	۳۹/۴۸۴۶۱	۴۴/۲۰۶۹۷	۴۹/۹۷۳۳۱	۵۴/۳۹۵۹۲	۶۵/۹۹۰۴۳	۷۰/۰۳۵۸۲
اندونزی	۲۴/۸۹۴۷۷	۲۴/۳۵۶۵	۲۶/۸۷۸۵۴	۲۹/۸۸۸۰۳	۳۲/۴۴۳۰۶	۳۳/۰۱۵۷۷
عمان	۴۶/۶۷۶۳۶	۴۲/۳۳۳۶۴	۴۱/۱۶۶۳۸	۴۲/۱۴۰۷۵	۴۳/۴۷۲۹	۴۶/۴۳۷۹۸
لبنان	۶۹/۰۳۵۴۳	۷۹/۷۵۹۳۱	۸۵/۳۹۴۳۶	۸۷/۵۹۵۵۱	۹۳/۵۷۴۷۸	۹۹/۲۰۳۹۷
کویت	۷۹/۱۱۹۱۴	۷۴/۶۳۹۳۹	۶۰/۸۰۷۹۶	۵۵/۷۴۴۴۱	۵۹/۱۸۸۱۵	-
روسیه	۴۵/۲۵۷۳	۴۲/۸۳۶۳۷	۴۴/۷۸۵۳۲	۴۸/۰۹۷۱۱	۵۹/۹۵۲۷۷	۵۹/۳۰۷۷۱
پاکستان	۲۲/۶۲۰۸۳	۲۱/۲۸۸۵۵	۱۸/۰۳۲۳۵	۱۶/۸۳۹	۱۵/۹۴۰۳۸	۱۵/۳۳۹۸۷
مصر	۳۶/۰۹۲۷۱	۳۳/۰۷۲۳	۳۱/۱۵۴۹۲	۲۹/۱۱۲۹۴	۲۷/۸۲۴۲۳	۲۷/۳۰۳۸۸
یمن	۶/۸۳۰۵۷۲	۶/۲۸۹۳۴	۵/۳۳۷۴۳	۵/۱۲۶۰۰۶	۶/۳۳۶۰۴۵	-
لیبی	۱۰/۷۴۶۲۷	۹/۳۰۰۹۰۹	۱۹/۶۱۰۸۲	۱۰/۵۱۷۷۱	۱۵/۷۶۶۰۱	۲۶/۹۰۲۴۹

منبع : بانک جهانی

از نظر شاخص اعطای اعتبار به بخش خصوصی توسط بانک‌ها، کشورهایی همچون سودان، مالزی و بحرین دارای عملکرد بهتر و قابل توجه و کشورهایی هم‌چون یمن، لیبی و پاکستان دارای وضعیت نامناسبی هستند. عملکرد سایر کشورهای اسلامی بین این دو گروه قرار گرفته است.

نسبت مطالبات معوق وام بانکی به کل وام ناخالص (درصد)[1]: عواملی چون اخذ مدارک ناقص، اخذ تضمین نامعتبر در اعطای وام، عدم توجه به اهمیت اهلیت مشتری می‌توانند منجر به افزایش

1-Domestic Credit to Private Sector by Banks (% of GDP)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

مطالبات معوق بانکی شوند. وضعیت این شاخص برای کشورهای منتخب اسلامی در جدول ۷ گزارش شده است:

(جدول۷. نسبت مطالبات معوق وام بانکی به کل وام ناخالص (درصد)
برای کشورهای منتخب اسلامی)

سال/کشور	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴
ایران	-	-	-	-	-	-
عربستان	۲/۲۸۶۹۷۱	۲/۹۶۸۱۸۵	۲/۲۲۴۱۲	۱/۶۶۹۷۹۴	۱/۳۰۶۸۳۹	۱/۰۸۰۳۳۸
قطر	۱/۲	۱/۷	۲	۱/۷	۱/۹	۱/۷۴
بحرین	۳/۹	۵/۱	۴/۹	۵/۸	۵/۶	۴/۶
مالزی	۳/۶۲۶۵۶۵	۳/۳۵۴۰۲۷	۲/۶۸۱۳۹	۲/۰۱۵۸۴۳	۱/۸۴۹۱۴۷	۱/۶۴۵۷۸۵
سودان	۰/۸۳۴۱۳۳	۰/۷۸۳۵۶۳	۰/۶۵۴۰۵۵	۰/۷۰۰۰۶۲	۰/۶۱۴۳۸۸	۰/۵۵۴۱۴۸
امارات	۴/۳	۵/۶	۷/۲	۸/۴	۷/۳	۶/۵
ترکیه	۴/۹۶۹۹۷۶	۳/۴۸۹۵۹۲	۲/۵۷۶۳۲۲	۲/۷۴۳۳۶۸	۲/۶۳۶۲۷۱	۲/۸۰۳۷۶۳
اندونزی	۳/۲۸۸۳۸۷	۲/۵۳۱۸۷۶	۲/۱۴۴۱۲۷	۱/۷۷۳۳۸۲	۱/۶۸۶۷۶۷	۲/۰۶۶۸۱۷
عمان	۲/۷	۲/۷	۲/۲	۲/۱	۲	۲
لبنان	۶	۴/۳	۳/۷۶	۳/۷۸۶۹۷۶	۳/۹۶۵۵۳۱	-
کویت	۱۱/۵	۸/۹	۷/۳	۵/۲	۳/۶	۳/۵
روسیه	۹/۵۳۱۶۲۸	۸/۲۳۴۳۲۱	۶/۵۹۰۱۴۲	۶/۰۲۶۶۴۶	۶/۰۰۰۶۹۱	۶/۷۳۰۹۶۵
پاکستان	۱۲/۱۵۳۶۸	۱۴/۷۴۷۵۴	۱۶/۲۰۷۱۷	۱۴/۴۷۰۹۳	۱۲/۹۸۶۸۹	۱۲/۲۶۵۷۹
مصر	۱۳/۴	۱۳/۶	۱۰/۹	۹/۸	۹/۳	۸/۹
یمن	۱۳/۹	۱۷/۷	۲۱/۲	۲۵/۵	۲۱/۷	۷/۲۴
لیبی	-	-	-	-	-	-

منبع : بانک جهانی

جدول ۷ نشان می دهد که کشورهای سودان، مالزی و قطر دارای نسبت پایین تر (عملکرد بهتر) و کشورهای مصر، یمن و پاکستان دارای نسبت بالاتر (عملکرد نامناسب) بوده اند. دو کشور ایران و لیبی برای شاخص مذکور فاقد آمار بوده اند.

بحث

بخش مالی کارآمد موجب می‌شود منابع مالی ذخیره شده در کشور و منابع مالی وارد شده از خارج، به فعالیت‌هایی که بیشترین بهره‌وری را دربر دارند اختصاص یابد. بخش مالی قوی، به جای آن‌که منابع مالی را به طرح‌هایی اختصاص دهد که بر اساس مناسبات سیاسی تعریف گشته‌اند، منابع را به سوی طرح‌های کارآفرینی وسرمایه‌گذاری که دارای بیشترین بازده اقتصادی مورد انتظار هستند سوق می‌دهد. وجود سیستم بانکی شفاف و مورد اعتماد باعث خواهد شد تا سیستم مالی کشور کارآمد شده و به سمت اهداف و چشم‌اندازهای تعریف شده حرکت کند. طبق بررسی که به منظور

1-Bank Nonperforming Loans to Total Gross Loans (%)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

اسلامی بودن بانک‌های کشورهای اسلامی انجام گرفت، استفاده از شاخص‌های دسترسی به خدمات مالی، قیمت خدمات مالی، سهولت دسترسی به وام، ثبات سیستم بانکی، حمایت قانونی از حقوق وام گیرنده و وام دهنده، اعطای اعتبار به بخش خصوصی توسط بانک‌ها و نسبت مطالبات معوق وام بانکی به کل وام ناخالص، نشان داد که برخی کشورهای اسلامی نظیر قطر، عمارات، عمان، بحرین و مالزی دارای وضعیت مطلوب در شاخص‌های مذکور می‌باشند. کشورهایی نظیر ترکیه، کویت، روسیه و عربستان دارای وضعیت متوسط در دسترسی به اهداف مذکور هستند که نیازمند تلاش بیشتری است. کشورهایی هم‌چون لیبی، یمن، ایران و مصر دارای بالاترین رتبه (وضعیت نامطلوب) در بیشتر شاخص‌ها هستند که این بدان مفهوم است که کشورهای ذکرشده آن‌چنان که باید در رسیدن به یک سیستم مالی کارامد و بالطبع اسلامی موفق نبوده‌اند که رسیدن به اهداف ذکر شده در این کشورها نیازمند بررسی و واکاوی زیربنایی و اساسی سیستم مالی و شناسایی علت‌ها و پیشنهاد راه‌کارهای اصولی می‌باشد.

در بررسی دلایل ضعف نظام بانکداری اسلامی (به خصوص در ایران) می‌توان دلایل زیادی را برشمرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: وجود انواع رانت‌ها، انواع فسادها، تورم بالا، رشد بخش غیرمولد اقتصاد، عدم رشد تولید ملی، اتکا به منابع طبیعی، اقتصاد وابسته، بیکاری بالای نیروی کار و سرمایه . وجود رانت در سیستم بانکی یکی از مهم‌ترین دلایل توزیع نامتناسب تسهیلات بانکی به خصوص تسهیلات ارزان قیمت می‌باشد و به‌تنهایی می‌تواند روی سایر شاخص‌ها هم اثر سوء داشته باشد. تورم بالا به خصوص در ایران به دنبال خود باعث افزایش نرخ بهره بانکی و کاهش دسترسی مردم به خصوص اقشار کم درآمد به تسهیلات بانکی خواهد شد و همین تورم، مشوق سپرده‌گذاران در بانک‌ها به خارج کردن سرمایه خود از بانک و به‌کارگیری آن در فعالیت‌های غیرمولد مثل مسکن و خودرو و... خواهد شد. عدم رشد تولید ملی از چندین بُعد روی عملکرد بانک‌ها اثرگذار خواهد بود: کاهش درآمد مردم و به‌تبع آن کاهش سپرده‌ها، کاهش قدرت خرید مردم و به دنبال آن کاهش سوددهی بخش‌های اقتصادی که بانک سپرده‌های مردم را در آن بخش‌ها به‌کار گرفته است و افزایش معوقات بانکی به دلیل عدم توانایی بنگاه‌های اقتصادی در بازپرداخت اقساط وام‌های دریافتی.

نتیجه‌گیری

در متون علم اقتصاد و هم‌چنین در دین اسلام توجه ویژه به جریان پول در جامعه شده است. چرا که سیستم پولی و بانکی در اقتصاد هر جامعه‌ای مانند رگ‌های بدن، نقش حیاتی در جریان درست و مورد نیاز پول در اقتصاد دارد. می‌توان ادعا کرد که جریان پولی، تعیین‌کننده آن خواهد بود که

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

کدام بخش اقتصاد رشد و رونق یابد. اگر جریان پول به سمت بخش غیرمولد اقتصاد روانه شود، شاهد رونق آن بخش خواهیم بود و اگر جریان پول به سمت بخش تولید و صنعت حرکت کند، بخش تولید و صنعت پیشرو خواهد شد. برای قضاوت در مورد وضعیت یک اقتصاد، باید این سؤال را پرسید که مردم آن جامعه پول‌های خود را در کدام بخش به جریان انداخته‌اند؟ از این رو هدایت جریان پولی به بخش‌های مفید اقتصادی و هم‌چنین جلوگیری از کنز پول از مهم‌ترین وظایف مدیریتی و حاکمیتی اقتصاد است.

اهداف سیستم پولی و بانکی اسلام را می‌توان در متون اصلی و چارچوب مدیریت اجتماعی این دین جستجو کرد. در این مقاله ابتدا، اهداف مهم بانکداری اسلامی از متون موثق دینی و هم‌چنین نتایج پژوهش‌های پیشین استخراج گردیده است. از جمله این اهداف می‌توان به رشد اقتصادی، استقلال اقتصادی، عدالت اقتصادی، تقویت سرمایه اجتماعی، تقویت اخلاق حرفه‌ای اشاره کرد.

شاخص‌های متعددی در سطح بین‌المللی در خصوص سیستم پولی و بانکی جوامع منتشر می‌شود. با بررسی اهداف اقتصاد اسلامی می‌توان برخی از شاخص‌ها را به عنوان شاخص‌های بانکداری اسلامی در نظر گرفت. بررسی وضعیت این شاخص‌ها تصویر درست‌تری از موفقیت کشورهای اسلامی در نیل به اهداف موردنظر اسلام ارائه می‌دهد. متأسفانه اکثر کشورهای اسلامی با اهداف مطروحه سیستم پولی جامعه اسلامی فاصله زیادی دارند و حتی وضعیت به مراتب بدتری نسبت به کشورهای غیراسلامی دارند. آمارها بیان‌گر آن است که کشورهایی هم‌چون قطر، عمارات، عمان، بحرین و مالزی در رسیدن به الگوی مطلوب بانکداری اسلامی موفق عمل کرده‌اند و عملکرد کشورهایی هم‌چون لیبی، یمن، ایران و مصر در شاخص‌های مذکور رضایت بخش نیست.

از مهم‌ترین دلایل ضعف نظام بانکی که می‌توانند مانع از رسیدن سیستم بانکی یک کشور به الگوی مطلوب شوند می‌توان به وجود انواع رانت‌ها، انواع فسادها، تورم بالا، رشد بخش غیرمولد اقتصاد، عدم رشد تولید ملی، اتکا به منابع طبیعی، اقتصاد وابسته، بیکاری بالای نیروی کار و سرمایه و وجود رانت در سیستم بانکی اشاره کرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

منابع

۱. ابراهیمی، سعید؛ بیدرام، رسول و مصطفی عمادزاده (۱۳۸۷). بررسی کارآیی بانک‌های اسلامی در کشورهای مختلف جهان (با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها)، دوفصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی،سال پنجم، شماره ۱۰، صص ۱۳۶-۱۱۵.

۲. اکبریان، رضا و حمید رفیعی (۱۳۸۶). بانکداری اسلامی؛ چالش‌های نظری-علمی و راهکارها، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۱۱۸-۹۷.

۳. بیک‌زاد، جعفر؛ حسین‌پور سنبلی، علیرضا و محمد صادقی (۱۳۸۹). اخلاق حرفه‌ای، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۲۶-۱۲۵، صص ۱۰-۴.

۴. تقی‌زاده، خدیجه (۱۳۹۱). بانکداری اسلامی در برخی کشورهای جهان، مجله اقتصادی بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۶ و ۷، صص ۸۰-۴۷.

۵. سعیدی، پرویز (۱۳۸۸). ارزیابی نقش تسهیلات شبکه بانکی در رشد اقتصادی، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ششم، صص ۱۹۳-۱۶۷.

۶. سیدنژاد، سیدصادق (۱۳۹۰). جهاد اقتصادی (در اندیشه حضرت امام خمینی رحمه الله).

۷. صمدی، علی حسن؛ مهدیلوی تازه‌کندی، علی و مهدی فراهانی (۱۳۹۱). بررسی قراردادها و شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری اسلامی و رابطه آن‌ها با کاهش فقر در جامعه، تهران، سومین کنفرانس ریاضیات مالی و کاربردها.

۸. طالبی, محمد و حسن کیائی (۱۳۹۱). بانکداری اخلاقی: بررسی نقاط مشترک و تمایز آن با بانکداری اسلامی، بیست و سومین همایش بانکداری اسلامی، تهران، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، صص ۱۵۵-۱۴۲.

۹. عیوضلو، حسین و حسین میسمی (۱۳۸۷). بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۳۱، صص ۱۸۹-۱۶۱.

۱۰. کوهکن، علیرضا (۱۳۸۷). مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی، نشریه راهبرد توسعه، شماره ۱۷، صص ۱۴۱-۱۲۴.

۱۱. کمیجانی، اکبر؛ فرزین‌وش، اسدالله و سید ضیاءالدین کیاءالحسینی (۱۳۹۲). قاعده سیاست پولی مطلوب در محیط بانکداری بدون ربا، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۵۰، صص ۵۸-۳۱.

۱۲. کیائی، حسن؛ ابریشمی، حمید و حسن سبحانی (۱۳۹۲). ارزیابی میزان کامیابی اجرای بانکداری اسلامی در ایران، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۵۱.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

۱۳. محرابی، لیلا (۱۳۹۱). وضعیت بانکداری اسلامی در کشورهای منطقه MENA، مقاله کاری، شماره ۲.
۱۴. موسویان، سیدعباس و میمنت ابراهیمی (۱۳۹۲). شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی، نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی، تهران، مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما.
۱۵. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۵). بانکداری بدون ربا از نگاه شهید صدر، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۰۱-۷۱.
۱۶. موسویان، سیدعباس و بهزاد ورمزیاری (۱۳۹۱). بررسی تأثیر بانکداری بدون ربا بر رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص ۵۲-۲۹.
۱۷. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۳). عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام.
۱۸. نادری‌کزج، محمود و حسین صادقی (۱۳۸۲). بررسی کارایی بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف و مقایسه بانک‌های غیرربوی با بانک‌های ربوی در جهان با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره‌های ۹ و ۱۰.
۱۹. نبی، منوچهر؛ وفایی، سارا و جابر افتخاری شاهی (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی بانکداری اسلامی و متعارف در ایران و مالزی (با رویکرد سودآوری)، دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران، صص ۵۷۳-۵۴۵.
۲۰. نظرپور، محمدنقی؛ یوسفی شیخ رباط، محمدرضا و میمنت ابراهیمی (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های ممنوعیت غرر در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران-مطالعه موردی: بانک تجارت مشهد مقدس، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۱۸۸-۱۵۵.
۲۱. نظرپور، محمدنقی؛ یوسفی شیخ رباط، محمدرضا و میمنت ابراهیمی (۱۳۹۳). شاخص‌های صوری‌شدن معاملات در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران؛ بررسی موردی: تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۹۲-۶۵.

22. Abdul, Gafoor, A. l. M. (1995). Islamic Banking Interest Free Commercial Banking; Geroningen: Apptec publications.

23. Abdul-Majid, M.; Sall, D. S; and Battisti, G. (2010). Efficiency in Islamic and Conventional Banking: an International Comparison, Journal of Productivity Analysis, 34(1), 25-43.

24. Bader, M. K. I.; Mohamad, SH.; Ariff, M.; And Hassan,T . (2008). Cost, Revenue, and Profit Efficiency oF Islamic Versus Conventional Banks: International Evidence Using Data Envelopment Analysis, Journal of Islamic Economic Studies, 15(2), 23-76.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]

25. Bashir, A. H. M. (2001). Assessing the Performance of Islamic Banks: Some Evidence from the Middle East, Grambling State University, 1-10.

26. http://www.icm-rdis.ir

27. http:// www.mbri.ac.ir

28. Iqbal, M. (2001). Islamic and Conventional Banking in the Nineties: A Comparative Study, Islamic Economic Studies, 8(2), 1-28.

29. Yudistira, D. (2004). Efficiency in Islamic Banking: An Empirical Analysis of Eighteen Banks, Journal of Islamic Economic Studies, 12(1), 1-19.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-18]